

تأثيرات جنگ ايران و رژیم صهیونیستی بر قیمت نفت



خاورمیانه به عنوان کانون استراتژیک تأمین انرژی جهان، همواره یکی از حساس ترین نقاط در معادلات ژئوپلیتیکی بوده است. هر گونه تشدید تنش در این منطقه، به ویژه درگیری مستقیم میان جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی، ریسک اختلالات مهم و ساختاری را در بازارهای جهانی نفت ایجاد می کند که پیامدهای آن نه تنها محدود به منطقه نیست، بلکه به سرعت در زنجیره های تأمین، قیمت گذاری و تعادل عرضه و تقاضای انرژی جهان بازتاب می یابد. این گزارش تحلیلی، بر ارزیابی این پیامدها و راهکارهای کاهش آسیب پذیری بازار تمرکز دارد.

۱. تشدید نااطمینانی و شوک قیمتی اولیه

بازارهای نفتی به دلیل ماهیت پیش خور خود، به سرعت نسبت به افزایش ریسک های ژئوپلیتیکی واکنش نشان می دهند. نمونه برجسته این واکنش را می توان در سال ۲۰۲۰ و پس از ترور سردار سلیمانی مشاهده کرد؛ جایی که قیمت نفت برنت بدون اختلالات فیزیکی جدی، ظرف مدت کوتاهی بیش از ۹ درصد افزایش یافت. این واکنش ناشی از بیم مضاعف فعالان بازار و افزایش چشمگیر حق بیمه ریسک سیاسی در نرخ های قیمت نفت است؛ بنابراین، افزایش نااطمینانی در بحران فعلی می تواند عامل اصلی ایجاد شوک اولیه قیمت و نوسانات شدید در بازار باشد.

۲. نقش حیاتی تنگه هرمز در تأمین انرژی جهانی

تنگه هرمز، با عبور تقریباً ۲۰ درصد نفت خام صادراتی جهان و حدود ۳۰ درصد تجارت گاز طبیعی مایع (LNG)، یک گلوگاه استراتژیک حیاتی است. تهدیدات مکرر ایران به بستن این گذرگاه، حتی اگر عملی نشود، از طریق ایجاد شوک روانی بازار، می تواند موجب افزایش ۱۰ تا ۳۰ دلاری قیمت نفت در بازار شود. تجارب دوران جنگ ایران - عراق و حملات سال ۲۰۱۹ به نفتکش ها نشان می دهد که هرگونه اختلال در





ترافیک این گذرگاه، تبعات فوری و شدید قیمتی به دنبال دارد. درگیری‌های ترکیبی، نظیر مین‌گذاری یا حملات نامتقارن، می‌تواند اثرات مخرب این شوک را به طور قابل‌توجهی افزایش دهد.

۳. آسیب‌پذیری صادرات نفت ایران در شرایط بحران

صادرات نفت ایران، با حجم روزانه ۱.۵ تا ۲ میلیون بشکه، علی‌رغم محدودیت‌های تحریمی آمریکا، نقشی غیرقابل‌انکار در بازارهای چین و هند دارد. درگیری‌های گسترده نظامی می‌توانند از طریق چند محور زیر جریان صادرات نفت ایران را مختل سازند:

- تخریب تجهیزات زیرساختی و بنادر صادرات؛
- خروج شرکت‌های بیمه از بازار نفتکش‌های ایرانی و افزایش ریسک عملیاتی؛
- راهبردهای حملات موشکی و سایبری علیه پایانه‌های اصلی نفتی.

در شرایطی که بازار تحت محدودیت تولید اوپک پلاس قرار دارد، اختلال هرچند کوچک در این بخش، می‌تواند موج جدیدی از افزایش قیمت‌ها را به دنبال داشته باشد و فشار تورمی را تشدید کند.

۴. ریسک سرایت منازعات به دیگر مناطق تولیدکننده

حمله سپتامبر ۲۰۱۹ به تأسیسات نفتی عربستان سعودی که موجب توقف ۵.۷ میلیون بشکه نفت در روز شد، نمونه آشکاری از پیامدهای سرایت تنش‌ها به زیرساخت‌های انرژی در کشورهای ثالث است. چنین اتفاقی قیمت نفت را بیش از ۲۰ درصد در کوتاه‌مدت افزایش داد. درگیری میان ایران و رژیم صهیونیستی احتمال هدف قراردادن زیرساخت‌های نفتی کشورهای مهم منطقه مانند عربستان، امارات و عراق را افزایش می‌دهد و می‌تواند تعادل عرضه جهانی را به شدت به هم بزند و قیمت‌ها را به سطوح سه‌رقمی سوق دهد.

۵. محدودیت‌های تأثیرگذاری ذخایر استراتژیک و واکنش تولیدکنندگان اصلی

ذخایر استراتژیک نفتی آمریکا و سایر کشورها، به‌عنوان ابزاری موقت برای تعدیل شوک‌های عرضه کارایی دارند، ولی تجربه بحران اوکراین در سال ۲۰۲۲ نشان داد که اثر این مداخله‌ها نهایتاً کوتاه‌مدت و محدود است. همچنین افزایش تولید اوپک پلاس که تحت‌تأثیر ملاحظات سیاسی، حفظ سهم بازار و روابط استراتژیک اعضای اصلی مانند عربستان سعودی است، به‌عنوان راهکار بلندمدت چندان مطمئن به نظر نمی‌رسد.

۶. پیامدهای اقتصادی و کاهش تقاضا در سطح جهانی

ادامه روند افزایش قیمت‌های نفت (بالتر از ۱۲۰ دلار برای هر بشکه) مکانیسم‌های تعدیل طرف تقاضا را تحریک خواهد کرد که شامل:

- کاهش رشد اقتصادی کشورهای عمده واردکننده مانند چین و اتحادیه اروپا؛
- تسریع در سیاست‌های بهره‌وری انرژی و کاهش وابستگی؛
- توسعه و سرمایه‌گذاری روبه‌رشد در انرژی‌های جایگزین و تجدیدپذیر.

اگرچه کاهش تقاضا در میان‌مدت باعث تعدیل قیمت‌ها خواهد شد، اما در کوتاه‌مدت قادر به مهار کامل شوک‌های عرضه و نوسانات قیمتی نخواهد بود.





۷. تحلیل آسیب‌پذیری اقتصادی کشورهای مختلف در مواجهه با شوک‌های نفتی

در پی تشدید تنش‌ها میان ایران و رژیم صهیونیستی و پتانسیل ایجاد اختلالات ساختاری در بازار نفت، اقتصاد جهانی به لحاظ میزان آسیب‌پذیری در مقابل شوک‌های قیمتی نفت با تفاوت‌های قابل توجهی روبروست. جدول زیر وابستگی نسبی برخی کشورها به نفت خاورمیانه را به همراه تخمین تأثیر اقتصادی افزایش ۲۰ دلاری قیمت نفت بر تولید ناخالص داخلی (GDP) آنان نشان می‌دهد:

آسیب‌پذیری اقتصادی برخی کشورها در برابر شوک‌های نفتی ناشی از درگیری ایران و رژیم صهیونیستی		
کشور	درصد وابستگی به نفت خاورمیانه	شوک تخمینی تولید ناخالص داخلی به‌ازای هر ۲۰ دلار افزایش قیمت نفت (به درصد)
هند	۶۰٪	۰.۵۰٪
اتحادیه اروپا	۴۵٪	۰.۴۰٪
چین	۵۰٪	۰.۳۵٪
ایالات متحده آمریکا	۱۰٪	۰.۱۲٪
ژاپن	۸۵٪	۰.۴۵٪
کره جنوبی	۸۲٪	۰.۴۲٪

۸. ارزیابی و تحلیل زیربنایی:

- ژاپن و کره جنوبی: این دو کشور با وابستگی بالای بیش از ۸۰ درصد به نفت خاورمیانه، بالاترین سطح حساسیت را در مقابل اختلالات لجستیکی زنجیره تأمین نفت دارند. از آنجاکه منابع انرژی جایگزین داخلی محدود بوده و بخش بزرگی از نفت وارداتی آن‌ها از منطقه مذکور تأمین می‌شود، ایجاد شوک قیمتی و یا وقفه در عرضه می‌تواند به طور مستقیم رشد اقتصادی این کشورها را تحت تأثیر منفی قرار دهد.
- هند: هند با ترکیب آسیب‌پذیری بالا ناشی از وابستگی قابل توجه (۶۰٪) به نفت خاورمیانه و رشد سریع مصرف انرژی، در معرض ریسک دوگانه است. علاوه بر شوک مستقیم بر کسری حساب جاری، افزایش پایدار قیمت نفت زمینه‌ساز ایجاد تورم ساختاری می‌شود که اثرات بلندمدت آن بخش عمده‌ای از برنامه‌های توسعه اقتصادی این کشور را تحت تأثیر قرار خواهد داد.
- اتحادیه اروپا: با وجود تلاش‌های قابل توجه برای تنوع‌بخشی به منابع انرژی، وابستگی حدود ۴۵ درصدی این مجموعه به نفت خاورمیانه به همراه ساختار نسبتاً ثابت زیرساختی مانند خطوط لوله و ضعف در جایگزینی فوری منابع، منجر به کاهش انعطاف‌پذیری اتحادیه اروپا در مواجهه با شوک‌های نفتی می‌شود. این موضوع اثرات اقتصادی و سیاسی قابل توجهی در این منطقه ایجاد خواهد کرد.





➤ چین: چین با وابستگی متوسط به نفت منطقه (۵۰٪) و اهمیت رهبری اقتصادی جهانی، آسیب‌پذیری نسبی دارد؛ اما سرمایه‌گذاری‌های گسترده این کشور در منابع انرژی جایگزین و زیرساخت‌های انتقال انرژی می‌تواند تا حدی اثرات منفی شوک‌های نفتی را کاهش دهد.

➤ ایالات متحده آمریکا: بالاترین سطح خودکفایی نفتی به دلیل تولید گسترده نفت شیل (بیش از ۱۳ میلیون بشکه در روز) و مدیریت مؤثر ذخایر استراتژیک نفتی، نقش کلیدی در کاهش اثرات شوک‌های نفتی ایفا می‌کند. به همین دلیل، آمریکا کمترین آسیب‌پذیری اقتصادی را در بین کشورهای جدول نشان می‌دهد و می‌تواند تا حدی ثبات بازارهای جهانی نفت را تضمین نماید.

نتیجه‌گیری:

این تحلیل نشان می‌دهد که آسیب‌پذیری اقتصادی کشورهای مختلف در برابر شوک‌های نفتی حاصل از تنش‌های ژئوپلیتیکی منطقه خاورمیانه، تابعی از پراکندگی منابع انرژی، درجه وابستگی به نفت منطقه، زیرساخت‌های لجستیکی و سیاست‌های داخلی توانمندسازی انرژی است.

- ژاپن و کره جنوبی با وابستگی بالای ۸۰٪، بیشترین حساسیت را به اختلالات لجستیکی دارند.
- هند به دلیل ترکیب خطرناک وابستگی بالا (۶۰٪) و رشد سریع مصرف انرژی، در معرض تهدید دوگانه کسری حساب‌جاری و تورم ساختاری قرار دارد.

- اتحادیه اروپا علی‌رغم تلاش‌های تنوع‌بخشی، به دلیل وابستگی به زیرساخت‌های ثابت (خطوط لوله)، انعطاف‌پذیری کمتری در برابر شوک‌ها دارد.
- ایالات متحده با اتکا به تولید شیلی (ظرفیت ۱۳ میلیون بشکه/روز) و ذخایر استراتژیک، کمترین آسیب‌پذیری را نشان می‌دهد.

